

عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس های پیرامون راهبری
ربای لرد جانانان ساکس



تفسیر هفتگی تورات

رهبری خدمتگزار: قورح

Servant Leadership: Korah

"تو خیلی زیاده روی کرده ای! کل جماعت مقدس هستند، تک تک آنها و خدا با آنهاست. پس چرا خودت را فراتر از جماعت خدا قرار می دهی؟ (اعداد ۳:۱۶)

اشکال حرف قورح و پیروان جورواجور و تحریک گر او دقیقاً چه بود؟ می دانیم که قورح یک عوامفریب بود و نه یک دمکرات. او قدرت را برای خودش می خواست و نه برای مردم. همچنین می دانیم که معترضان، ناهمگون بودند. هر یک دلایل خود را دارد که از موسی، هارون یا سرنوشت شاکی باشند. همه اینها را لحظه ای کنار بگذارید و بپرسید: آیا حرف آنها درست بود یا غلط؟ بی تردید آنها درست می گفتند که "کل جماعت مقدس هستند". اصلاً خدا از مردم خواست که چنین

باشند: "مملکتی از کاهنان و ملتی مقدس" یعنی مملکتی که همه اعضای آن (به نوعی) کوهن باشند و ملتی که همه شهروندانش مقدس باشند.¹

آنها همچنین درست می گفتند که "خدا با آنهاست". این دلیل ساختن محراب بود: "از آنها بخواه که محراب مرا برایم بسازند و من در میان آنها ساکن شوم" (خروج ۸:۲۵). سفر خروج این گونه پایان می یابد: "پس ابر الهی روزها برفراز محراب بود و شب هنگام آتش در درون ابر بود، برابر چشمان همه بنی اسرائیل هنگام سفر" (خروج ۴۰:۳۸). جلال الهی هر جا که می رفتند برای مردم قابل دیدن بود.

حرف خطای آنها در آخر آمده: "پس چرا خودت را فراتر از جماعت خدا قرار می دهی؟" این حرف آنها خطای کوچکی نبود. خطایی اساسی بود. موسی نماینده تولد یک نوع جدید از پیروان بود. بسیاری از ما هنوز اینرا نمی دانیم. مشهورترین بناهای دنیای باستان زیگورات های بین النهرین و اهرام مصر بودند. هر یک از آنها چیزی بیش از یک بنا بودند. آنها بیانیه هایی بودن از سنگ در مورد نظم اجتماعی سلسله مراتبی. پایه آنها وسیع بود و در بالا باریکتر می شد. در بالا پادشاه یا فرعون بود، یعنی در نوک هرم که آنرا نقطه رسیدن زمین به آسمان می پنداشتند. پایینتر، گروه هایی از برگزیدگان بودند و پایین آنها توده های برده.

آنها این را نه یک گونه از نظم اجتماعی، بلکه تنها گونه آن می انگاشتند. خورشید بر افلاک سروری می کرد. شیر بر قلمرو وحش فرمانروایی می کرد. پادشاه بر ملت حاکم بود. این رسم طبیعت بود. و همیشه می بایست چنین باشد. برخی به دنیا می آیند که فرمان برانند و برخی دیگر می آیند که فرمان ببرند.²

¹ Some suggest that their mistake was to say, "all the congregation are holy" (*kulam kedoshim*), instead of "all the congregation is holy" (*kula kedoshah*). The holiness of the congregation is collective rather than individual. Others say that they should have said, "is called on to be holy" rather than "is holy". Holiness is a vocation, not a state.

² Aristotle, *Politics*, Book 1, 1254^a21-24.

یهودیت اعتراضی است به این گونه نظم سلسله مراتبی. هر انسانی و نه فقط پادشاه به تصویر و شباهت خدا خلق شده است. بنابراین، هیچ کس بدون توافق دیگران حق ندارد بر آنها حکومت کند. اما همچنان به رهبری نیاز هست، زیرا یک ارکستر بدون رهبر نمی تواند با هماهنگی اجرا کند. بدون کاپیتان یک هنگ ممکن است سربازان خوبی داشته باشد، اما هنوز یک تیم به شمار نمی رود. یک لشکر بدون ژنرال هایش می تواند تبدیل به گروهی از اوباش بشود. یک ملت بدون دولت، دچار هرج و مرج می شود. "در آن زمان هیچ پادشاهی در میان بنی اسرائیل نبود. هر کس کاری را که به نظر خودش درست بود، انجام می داد." (داوران ۱۷:۶؛ ۲۱:۲۵).

در یک نظم اجتماعی که هر کس در نظر آسمان ها کرامت مساوی دارد، یک رهبر، بالاتر از مردم قرار نمی گیرد. آنها به مردم خدمت می کنند و خدمتگزار خدا هستند. منورا به عنوان نماد بزرگ یهودیان دوران توراتی، یک هرم یا زیگورات معکوس است. در بالا وسیع است و در پایین باریک. بنابراین، بزرگترین رهبر، خاکسارترین آنها است. "موسی بسیار خاکسار بود، بیش از هر کس دیگری در روی زمین" (اعداد ۱۲:۳).

نام این پدیده، رهبری خدمتگزار است³ و منشاء آن در تورات است. بزرگترین ستایشی که از موسی می شود، این است که او "خدمتگزار خدا بود". (تثنیه ۵:۳۴). موسی در تنخ، هجده بار این عنوان را دریافت می کند. عنوانی که به این روش رهبری داده شده رهبری خدمتگزار است. برجسته ترین نکته این است که در تورات فقط به یک نفر دستور داده شده که خاکسار باشد و آن هم پادشاه است:

وقتی که او بر تخت پادشاهی خود می نشیند باید برای خود یک نسخه از طومار تورات را از روی نسخه لوی ها بنویسد. این نسخه باید نزد او باشد و تمام روزهای زندگی خود آنرا بخواند یا بیاموزد که به خداوند خدای خود احترام بگذارد و به دقت همه کلام قانون او و این احکام را رعایت کند و خود را بهتر از بنی اسرائیل پیرو خود نداند. (تثنیه ۱۸-۲۰:۱۷)

³ The well-known text on this theme is Robert K Greenleaf, *Servant leadership: a journey into the nature of legitimate power and greatness*, New York, Paulist Press, 1977. Greenleaf does not, however, locate this idea in Torah. Hence it is important to see that it was born here, with Moses.

مشه بن مایمون رفتار درست یک پادشاه را چنین توصیف می کند:

همان گونه که تورات به او افتخار بزرگی داده و همه را اجبار به پیروی از او کرده، همان گونه نیز به او دستور داده که خاکسار بوده، قلبی توخالی داشته باشد، چنانکه آمده: "قلب من درونم توخالی است". (مزامیر ۱۰۹:۲۲). همچنین او نباید با یهودیان به تحقیر و تکبر رفتار کند، چنان که آمده: "او نباید خود را بهتر از پیروانش بداند" (تثنیه ۱۷:۲۰)

او باید با کوچک و بزرگ رحیم و دلسوز باشد و در خیر و بهروزی آنها شرکت کند. او باید کرامت حتی فرودست ترین مردم را حفظ کند.

وقتی که با مردم به عنوان جماعت سخن می گوید باید به ملایمت سخن گوید، چنان که آمده: "به برادرها و مردم من گوش دهید..." (سخنان شاه داوود در تواریخ ایم ۲:۲۸). همچنین در کتاب اول پادشاهان ۱۲:۷ می آید: "اگر امروز برای این مردم یک خدمتگزار باشی..."

او باید همواره با خاکساری بسیار رفتار کند. هیچ کس از مشه ربنو بزرگتر نیست (خروج ۱۶:۸). او می بایست دشواری ها، سختی ها، شکایت ها و خشم قوم را مانند دایه ای که از طفلی نگهداری می کند، تحمل نماید.⁴

همین در مورد همه پست های رهبری صادق است. مشه بن مایمون در میان کسانی که هیچ سهمی از دنیای در راه نخواهند داشت، از کسی نام می برد که "بر جماعت ترس حکمفرما می کند و به سود آسمان ها کار نمی کند". چنین کسی "بر جمعت با زور حکمفرمایی می کند تا مردم از او در هراس و وحشت باشند". او با این کارها "برای قدرت و منافع شخصی خود عمل می کند". مشه بن مایمون در این جمله آخر می افزاید: "مانند پادشاهان بت پرستان".⁵ قصد جدل [تورات با بت

⁴ Hilchot Melachim 2:6.

⁵ Hilchot Teshuvah 3:13.

پرستان] آشکار است. این نیست که هیچ کس چنین رفتار نمی کند. مقصود این است که هیچ یهودی نباید چنین رفتاری داشته باشد.

وقتی ربان گملی ال رفتاری کرد که همکارانش آنرا متکبرانه دانستند، از مقام ناسی یا ریاست جامعه پایین آورده شد تا زمانی که تقصیر خود را پذیرفت و پوزش خواست.⁶ رباب گملی ال درس خود را گرفت. او بعدها به دو نفری که پیشنهاد او برای مقام ریاست را نپذیرفتند گفت: "آیا فکر می کنید دارم به شما مقامی افتخاری [serarah] پیشکش می کنم؟ من به شما امکان خدمتگزاری [avdu] می دهم.⁷ چنان که مارتین لوترکینگ گفت: "هر کس می تواند بزرگ باشد... زیرا هر کس می تواند خدمت کند."⁸

سی اس لویس به درستی فروتنی را نه خود را کمتر دانستن، بلکه کمتر خود را دیدن تعریف می کرد. رهبران بزرگ دیگران را احترام می گذارند. دیگران را محترم می شمارند، بالا می کشند، الهام می بخشند تا به بلندایی که در غیر آن صورت نمی رسیدند، دست یابند. انگیزه بخش رهبران بزرگ، ایده های بزرگ است و نه جاه طلبی های شخصی. آنها به دام تکبر قدرت نمی افتند.

گاهی بدترین اشتباه هایی که از ما سر می زند، زمانی است که احساس های خود را به دیگران نسبت می دهیم. قورح فردی جاه طلب بود و از این رو موسی و هارون را دو فردی پنداشت که دنبال جاه طلبی خود هستند و گفت: "آنها خود را بالاتر از جماعت خدا قرار می دهند." او نمی فهمید که در یهودیت، رهبری یعنی خدمتگزاری. کسانی که خدمتگزاری می کنند، خود را بالا نمی برند. آنها مردم را بالا می کشند.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی -

⁶ Brachot 27b.

⁷ Horayot 10a-b.

⁸ Martin Luther King Jr., Nobel Prize Acceptance Speech (Oslo, Norway, December 10, 1964).

آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org

[f](#) [t](#) [@](#) [v](#) @RabbiSacks

The Office of Rabbi Sacks, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved • The Office of Rabbi Sacks is supported by The Covenant & Conversation Trust